مجله مطالعات حقوق تطبیقی،
دورهٔ ۴، شمارهٔ ۱،
بهار و تابستان ۱۳۹۲،
صفحات ۱ تا ۲۲

# حق تعقیب پدیدآورندهٔ اثر هنری (مطالعهٔ تطبیقی در حقوق اتحادیهٔ اروپا، فرانسه و انگلستان

**۱. فاطمه ابطحی***

*کارشناس ارشد حقوق دانشگاه فردوسی مشهد*

**۲. سید محمد مهدی قبولی درافشان**

*عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد*

**۳. سعید محسنی**

*عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد*

*تاریخ دریافت:۹۱/۰۹/۰۷ تاریخ پذیرش:۹۲/۰۴/۱۸*

## چکیده

در برخی از نظام‌های حقوقی برای حمایت از پدیدآورندهٔ برخی آثار هنری، از «حق تعقیب» یا «حق بر بازفروش اثر» سخن به‌میان آمده است. لیکن حق مزبور در حقوق ایران شناسایی نشده است. در نظام‌های حقوقی فرانسه، انگلستان و اتحادیهٔ اروپا، حق تعقیب حقی است که برای پدیدآورندهٔ برخی از آثار هنری نسبت به منافع حاصل از فروش‌های بعدی اثر پذیرفته شده است. به‌موجب این حق، پدیدآورنده می‌تواند درصدی از ثمن بازفروش‌های اثر پس از انتقال اولیه را دریافت کند. این حق که مبتنی بر ملاحظات منصفانه است، ناظر به آثار هنری اصلی است که با اولین فروش از دایرهٔ اختیارات پدیدآورنده خارج می‌شوند. حق تعقیب قابل اسقاط و توقیف نبوده، به‌صورت ارادی قابل انتقال نیست، لیکن در اثر فوت به ورثهٔ پدیدآورنده منتقل می‌شود. تعهد پرداخت حق تعقیب بسته به مورد بر عهدهٔ فروشنده، خریدار و یا واسطه‌های فروش است.

**کلیدواژگان:**

اثر هنری؛ انتقال ارادی؛ انتقال قهری؛ پدیدآورنده؛ حق بر بازفروش؛ حق تعقیب.

## مقدمه

مالکیت‌های ادبی و هنری به‌عنوان یکی از شاخه‌های مهم مالکیت‌های فکری دربردارندهٔ دو دسته حقوق مادی و معنوی برای پدیدآورندهٔ اثر ادبی و هنری است. در میان حقوق مادی مربوط به آثار ادبی و هنری، حق انتشار اثر و حق عرضهٔ آن دارای اهمیت ویژه بوده و در بیشتر کشورها مورد توجه قرار گرفته است. البته حقوق مادی محدود به این موارد نیست؛ بلکه در برخی کشورها با حق دیگری برای پدیدآورندهٔ اثر با عنوان «حق تعقیب» یا «حق بازفروش اثر» مواجه‌ایم. به‌موجب این حق، نوعی مشارکت برای پدیدآورنده نسبت به عواید حاصل از فروش‌های بعدی اثر ایجاد می‌شود. البته این حق در خصوص همهٔ آثار ادبی و

* نویسنده مسئول ۰۵۱۱-۸۸۲۹۵۸۴ mabtahi34@yahoo.com

Archive of SID

www.SID.ir

هنـــری مورد پذیرش قرار نگرفته اســـت و قلمرو محدودی دارد. امـــروزه گرایش به پذیرش ایـــن حق در میان قانون‌گـــذاران مختلف افزایش یافته، به‌نحوی که در ســـطح اتحادیه اروپا راهکارهای مســـتقلی برای هماهنگ‌ســـازی مقررات مربوط به حق تعقیب تصویب گردیده است. این در حالی است که در نظام حقوقی ایران، تاکنون چنین حقی برای پدیدآورنده به رســـمیت شناخته نشده اســـت و ادبیات حقوقی نیز در این خصوص از غنای کافی برخوردار نیست. بدیهی است بررسی مطلوبیت یا عدم مطلوبیت پذیرش این حق در نظام حقوقی ایران مستلزم شناسایی ابعاد مختلف حق مزبور است. این جستار در صدد است با بررسی مقررات اتحادیه اروپا و نظام حقوقی فرانسه و انگلستان، به‌عنوان دو نظام حقوقی مؤثر بر حق تعقیب، از ســـویی با تبیین دقیق مســـائل مربوط به حق تعقیب، به توســـعهٔ ادبیات حقوقی ایران در این زمینه دســـت یازد و از سوی دیگر، زمینه بهره‌گیری از تجارب سایر نظام‌های حقوقی و تصمیم‌گیری مناسب در عرصهٔ قانون‌گذاری ایران را فراهم آورد. در این راستا، ابتدا از مفهوم، ســـابقهٔ تاریخی و مبانی حق تعقیب ســـخن گفته می‌شود(مبحث نخست)، سپس به بررسی قلمرو حق مزبور و نیز ذینفع و متعهد آن پرداخته خواهد شد (مبحث دوم).

**مبحث نخست: مفهوم، سابقه تاریخی و مبانی حق تعقیب**

تبیین و شناســـایی مناسب حق تعقیب، مستلزم بررسی مفهوم (بند نخست)، پیشینه (بند دوم) و مبانی حق مزبور (بند سوم) است.

**بند نخست: مفهوم و ویژگی**

اصطلاح حق تعقیب در حقوق دارای مفهوم واحدی نیست، بلکه در حوزهٔ حقوق اموال و حقـــوق مالکیت‌هـــای ادبی و هنری مفاهیم مختلفی وجود دارد. این حق در حقوق اموال به‌طـــور معمول یکی از اوصاف حقوق عینی به‌شـــمار آمده کـــه به‌موجب آن، دارندهٔ حق عینی حق خود را در هر مکان و نزد هر شـــخصی بیابد، می‌تواند مطالبه کند[۱] (Cornu, 2009, p. 52; Terré et Simler, 1998, p. 37؛کاتوزیـــان، ۱۳۷۴، ش۱۰، ص۲۵؛ همـــو، ۱۳۸۴، ش۱۱، صـــص۱۸- ۱۹)، ولی در عرصهٔ حقوق ادبی و هنری حق تعقیب یا به تعبیری حق بر بازفروش[۲] اصطلاحی خاص به‌شمار می‌رود[۳]. این حق بر اساس مقررات کنوانسیون برن، دستورالعمل شماره EC/2001/84 مصوب ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۱ پارلمان

۱. در زبان عربی به حق تعقیب، «حق التتبع» گفته می‌شود. در این خصوص، ر.ک. عبدالمنعم فرج الصده، الحقوق العینیهٔ الأصلیهٔ دراسهٔ فی القانون اللبنانی و القانون المصری، بیروت، دار النهضهٔ العربیهٔ للطباعهٔ و النشر، بی‌چا، بی‌تا، ص۷، ش۳.

۲. حق تعقیب (Droit de Suite)، اصطلاحی فرانسوی و از نظر لغوی به معنای دنبال کردن است. معادل این اصطلاح در متون حقوقی انگلیسی اغلب Resale right به معنای حق بر بازفروش به کار می‌رود.

۳. جالب توجه است که برخی از نویسندگان (صادقی نشاط، ۱۳۸۹، ص۱۴۳) حق مزبور را تحت عنوان حق مستمر ترجمه نموده‌اند.

Archive of SID

www.SID.ir

و شورای اروپایی[۴] و برخی از قوانین ملی از جمله قانون مالکیت فکری فرانسه وآیین‌نامهٔ حق بر بازفروش انگلستان مصوب ۱۴ فوریه ۲۰۰۶[۵]، حقی است غیر قابل انتقال که پدیدآورندهٔ اثر بر منافع حاصل از فروش‌های بعدی اثر، پیدا می‌کند و به‌موجب آن پدیدآورنده می‌تواند درصدی از ثمن بازفروش‌های اثر پس از انتقال اولیه را دریافت کند (cf. Cornu, 1992, p. 789).

البته باید توجه داشت که حق مزبور با حق بازفروش در عرصهٔ حقوق بیع خلط نگردد، زیرا حق بازفروش که حقی شناخته شده در اکثر نظام‌های حقوقی و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا محسوب می‌شود، معنایی متفاوت از حق تعقیب دارد. برای نمونه به‌موجب مادهٔ ۸۸ کنوانسیون بیع بین‌المللی، فروشندهٔ کالا که مالکیت خود را به خریدار منتقل نموده، مکلف به حفاظت از مبیع است. در این خصوص در برخی موارد فروشنده مزبور حق دارد نسبت به فروش مجدد کالا اقدام نماید. به همین ترتیب در فرضی که خریدار در اثر فسخ قرارداد، مالکیت خود را از دست می‌دهد و اصولاً ملزم به استرداد مبیع به بایع می‌باشد، در برخی موارد حق بر بازفروش پیدا می‌کند (صادقی مقدم و رجبی، ۱۳۹۰، ص۳۰۱؛ صفایی، ۱۳۸۶، ص۴۴۶).

گفتنی است که شناسایی حق تعقیب برای پدیدآورنده موجب محدودیت خریدار نسبت به مالکیت مادی خود بر اثر هنری خریداری شده می‌گردد (Pollaud-Dulian, 2005, p. 554). به همین دلیل برخی از نویسندگان (M. Stewart & Sondison, 1989, p. 70) از حق تعقیب به‌عنوان استثنایی بر قاعده فروش نخست[۶] سخن گفته‌اند. توضیح اینکه به‌موجب قاعدهٔ اخیر، پس از آن که مالی فروخته شد، مبیع و کلیهٔ حقوق مرتبط با آن به خریدار منتقل می‌شود و فروشنده مالکیتی نسبت به مبیع یا حقوق مربوط به آن نخواهد داشت.

حق تعقیب یکی از حقوق مادی پدیدآورندهٔ اثر به‌شمار می‌آید، ولی این حق فقط برای عدهٔ خاصی از پدیدآورندگان پیش‌بینی شده است. در خصوص پیدایش حق تعقیب باید توجه داشت که این حق از زمان خلق اثر هنری و نه از زمان بازفروش آن برای پدیدآورنده ایجاد می‌شود. البته اجرای حق مزبور وابسته به تحقق بازفروش است (Pollaud-Dulian, 2005, pp. 553-554; Colombet, 1976, pp. 176-177).

در خصوص ویژگی‌های حق تعقیب، تعابیر متفاوتی در متون قانونی وجود دارد. به‌موجب مادهٔ یک دستورالعمل اروپایی، حق تعقیب حقی است غیر قابل انتقال و غیر قابل اسقاط.البته لازم به یادآوری است که ویژگی عدم قابلیت انتقال، ناظر به انتقال ارادی است، ولی در خصوص انتقال قهری اجمالاً تردیدی در قابلیت انتقال وجود ندارد. تفصیل این مسئله در ادامهٔ مقاله بیان خواهد شد. مواد ۷ و ۸ آیین‌نامهٔ حق بر بازفروش انگلستان همچون دستورالعمل اروپایی، حق تعقیب را حقی غیر قابل انتقال و غیر قابل

4. Directive 2001/84/EC of the European Parliament and of the Council of 27 September 2001 on the resale right for the benefit of the author of an original work of art

از این پس در این مقاله از این دستورالعمل با عنوان دستورالعمل اروپایی یاد می‌شود

5. The Artist`Resale Right Regulations 2006
6. Exhaustion

Archive of SID

www.SID.ir

اسقاط دانسته‌است. مادهٔ L122-8 قانون مالکیت فکری فرانسه نیز از غیر قابل انتقال بودن حق مزبور سخن گفته است. آن‌گونه که برخی از حقوق‌دانان فرانسوی (Colombet, 1976, p. 174) بیان داشته‌اند، غیر قابل انتقال بودن حق تعقیب با هدف حمایت مؤثر از پدیدآورنده در برابر سوداگران پیش‌بینی شده است.

برخی از حقوق‌دانان فرانسوی (Lucas, 2001, 295) از غیر قابل انتقال بودن حق تعقیب، ویژگی غیرقابل توقیف بودن آن را نیز استنباط نموده‌اند. البته ایشان به درستی یادآور می‌شوند که ویژگی اخیر ناظر به خود حق تعقیب است، ولی مبالغ حاصل از اجرای حق تعقیب قابل توقیف خواهد بود.

مادهٔ ۱۴ سوم کنوانسیون برن فقط به ویژگی غیر قابل انتقال بودن حق تعقیب اشاره نموده است. به‌موجب این ماده، «پدیدآورنده و پس از وفات وی، اشخاص یا نهادهایی که به‌موجب قوانین ملی صالح می‌باشند، در ارتباط با آثار هنری اصلی و دست‌نوشته‌های اصلی نویسندگان و آهنگ‌سازان، از حقی غیرقابل انتقال مبنی بر مشارکت در حاصل فروش اثری که پس از اولین انتقال توسط پدیدآورنده صورت می‌گیرد، برخوردارند.»

ویژگی عدم قابلیت انتقال حق تعقیب در نظام‌های حقوقی مورد بررسی و عدم قابلیت اسقاط آن در برخی از نظام‌های مزبور، حکمی آمره به‌شمار آمده، توافق برخلاف آن امکان‌پذیر نیست. البته در خصوص ویژگی عدم قابلیت انتقال، باید توجه داشت که به‌موجب مادهٔ ۹ آیین‌نامهٔ حق بر بازفروش انگلستان، پدیدآورنده می‌تواند این حق را از طریق وصیت‌نامه به شخص حقیقی یا حقوقی منتقل کند و چنانچه وصیت‌نامه‌ای در بین نباشد، قانون اشخاص ذینفع را تعیین خواهد کرد. شایان توجه است که به‌موجب بند ۳ مادهٔ ۷ آیین‌نامهٔ مزبور، چنانچه حق بر بازفروش در اثر وصیت به شخص حقوقی منتقل گردد، شخص اخیر می‌تواند این حق را به هر شخص حقوقی دیگری منتقل نماید. به اعتقاد برخی از نویسندگان (I. Bainbridg, 2009, p. 138)، به فرض که حق تعقیب در اثر وصیت به شخص حقیقی منتقل گردد، وی می‌تواند حق مزبور را به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر منتقل نماید.

**بند دوم: تاریخچهٔ حق تعقیب**

حق تعقیب برای اولین بار در فرانسه به‌موجب قانون ۲۰ مـی ۱۹۲۰ پیش‌بینی گردید (Lucas, 2001, p. 294; Desbois, 1966, p. 335; Colombet, 1976, p. 173; M. Walter & Von Leminski, 2010, p. 839). آن‌گونه که برخی از حقوق‌دانان فرانسوی (Desbois, 1966, p. 336؛همچنین ر.ک. کلمبه، ۱۳۸۵، ص۱۴۹) بیان داشته‌اند، مخبر قانون ۱۹۲۰، لئون برار[7]، در توجیه طرح پیشنهادی به واقعه‌ای درخصوص اثر هنرمند فرانسوی، فرن[8]، که در مرکز فروش حراجی شهر پاریس اتفاق افتاده است، اشاره می‌کند. در این جلسه در حالی که یک تابلوی نقاشی به قیمت ۰۰۰/۱۰۰ فرانک به حراج گذاشته شده

7. Léon Bérard.
8. Forain.

Archive of SID

www.SID.ir

بود، ناگهان کودکی از بین افراد حاضر با صدای بلند فریاد زد: «تابلوی پدر[۹]»، و بدین‌سان با تصویب قانون مزبور، این فکر پذیرفته شد که پدیدآورندهٔ اثر و وارثان او در ارزش افزوده اثر سهیم باشند.

در سطح بین‌المللی، کنفرانس بین دولتی سیاست‌های فرهنگی[۱۰] که در اوایل سال ۱۹۷۲ در اروپا برگزار شد، تمایل داشت حق مذکور را مطابق با چارچوب‌های یونسکو معرفی کند. ولی با وجود این تمایلات، پیش‌نویس توصیهٔ پذیرش حق تعقیب که در اوایل سال ۱۹۹۱ به‌وسیلهٔ کمیته جهانی کپی‌رایت کنوانسیون جهانی حقوق مؤلف[۱۱] (حقوق ادبی و هنری) تدوین شده بود، با شکست روبرو شد (M. Walter & Von Leminski, 2010,p. 842).

در سطح اروپا نیز از سال ۱۹۷۷ م ضرورت هماهنگ‌سازی حق تعقیب مطرح شد (M. Walter & Von Leminski, 2010, p. 842). در ۱۲ اکتبر ۱۹۸۲ کمیسیون اروپایی ضمن تأکید بر ضرورت هماهنگ‌سازی حق تعقیب، عدم شناسایی حق مزبور را عامل زیان‌آوری برای رقابت توصیف کرد[۱۲] و شورای اروپایی در سال ۱۹۹۱ م طرح‌های کمیسیون را در سطح بالایی پذیرفت. کمیسیون پس از برگزاری نشستی در تاریخ ۲۴فوریه ۱۹۹۵ و هماهنگی با سایر نهادهای تابع، برای تدوین طرح هماهنگ‌سازی آماده شد و در ۲۵ آوریل ۱۹۹۶ طرح اصلی خود را در این زمینه ارائه کرد. به‌منظور تبیین مناسب‌تر ضرورت هماهنگ‌سازی مقررات مربوط به حق تعقیب، توجه به این موضوع لازم است که از سویی، حق تعقیب در برخی از کشورهای عضو اتحادیه پذیرفته نشده بود و این امر خود تبعات منفی به دنبال داشت و سبب می‌شد که مکان فروش تأثیر مستقیمی بر منافع هنرمندان داشته باشد. توضیح اینکه حق تعقیب در برخی از کشورهای اروپایی همچون هلند، ایرلند و انگلیس مورد شناسایی قرار نگرفته بود؛ در حالی که در برخی دیگر از کشورهای اروپایی از جمله فرانسه، آلمان، ایتالیا، اسپانیا، سوئد، لوگزامبورگ و پرتغال این حق به رسمیت شناخته شده بود (Davis et al., 2002, p. 373).[۱۳] به همین دلیل، اینکه پدیدآورنده اثر خویش را به چه مکانی انتقال دهد، می‌توانست در منافع حاصل برای وی مؤثر واقع شود. برای نمونه، هنرمند انگلیسی از بازفروش اثرش در آلمان به میزان پنج درصد قیمت فروش مجدد بهره‌مند می‌شد، حال آنکه فروش مجدد اثر پدیدآورندهٔ آلمانی در لندن منفعتی برای وی به دنبال نداشت (Stokes, 2001, p. 79). از سوی دیگر، یازده کشور عضو اتحادیه که این حق را مورد شناسایی قرار داده بودند، در اجرای این حق به‌نحو متفاوتی عمل می‌کردند

9. "Un tableau de papa".
10. Intergovernmental Conference on Cultural Policies.
11. Intergovernmental Copyright Committee of the Universal Copyright Convention.

۱۲. این موضوع در ملاحظهٔ هشتم دستورالعمل مورد توجه قرار گرفته است. مطابق این ملاحظه نتیجهٔ شناسایی حق مزبور، حفظ رقابت‌پذیری در بازار اروپاست.

۱۳. البته همان‌گونه که برخی از نویسندگان (Colstond and middleton, 2005, p.318) اظهار نموده‌اند، در کشورهایی که حق تعقیب مورد شناسایی قرار گرفته بود نیز رویهٔ عملی واحدی وجود نداشت.

Archive of SID

www.SID.ir

(M. Stewart & Sondison, 1989, p. 318). برای مثال دادگاه عالی فدرال آلمان[14] در رأیی که در سال ۱۹۹۴ م صادر نمود، اجرای حق تعقیب را منوط به احراز وجود رابطهٔ کافی بازفروش با کشور آلمان دانست و این موضوع به‌صورت قاعده درآمد. در همین راستا دادگاه آلمان در پرونده‌ای با اینکه پدیدآورنده و فروشنده هر دو شهروند آلمانی بودند و نیز مذاکرات پیش از فروش در این کشـور صورت گرفته بود و آثار هنری از این کشـور به محل فروش (انگلسـتان) منتقل شـده بود، به دلیل انجام مزایده در خاک انگلسـتان، وجود رابطهٔ کافی بازفروش با کشور آلمان را محرز ندانست (Goldstein & Hugenholtz, 2010, p. 314)

طرح اصلی کمیسـیون اروپایی، شـمول حق تعقیب بر آثار اصلی هنرهای دیداری[15] و نسخ خطی[16] را مطرح کرد و با بررسی موانع احتمالی در بازار اروپا، کلیه هزینه‌های مرتبط اعم از هزینه‌های مربوط به حق تعقیب، حمل‌ونقل، بسته‌بندی، بیمه، مالیات، تعرفه[17] و غیره را مورد مطالعه قرار داد. ضعف پیشـنهاد مزبور در این بود که درصد مربوط به حق تعقیب (پیش‌بینی شده در مادهٔ چهار) مناسب به‌نظر نمی‌رسید. البته هدف از این تدبیر، تسهیل در بازار اروپا و به‌ویژه جلوگیری از انتقال فروش مجدد آثار اصلی به امریکا بود. کمیته اقتصادی و اجتماعی اتحادیهٔ اروپا ضمن استقبال از طرح ارائه شده، با شمول کلی حق تعقیب بر فروش در گالری‌ها مخالفت نمود و پیشـنهاد تفویض اختیار به دولت‌های عضو برای تصمیم‌گیری در خصوص نوع فروش را ارائه کرد (M. Walter & Von Leminski, 2010, p. 843).

پارلمان اروپایی با استقبال از طرح کمیسیون، اصلاحاتی را مطرح کرد؛ از جمله این اصلاحات می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: حذف نسخ خطی از شمول اجرایی حق تعقیب، عدم اعمال حق مزبور نسـبت به فروش مجدد اثری که از اولین خرید آن از هنرمند سـه سـال نگذشته باشـد، و در نهایت عدم اجرای حق تعقیب نسـبت به موصی‌لهم و محدود شدن اجرای حق به وراث قانونی (M. Walter & Von Leminski, 2010, p. 843).

این کمیسـیون اصلاح دربارهٔ حذف نُسـخ خطی را پذیرفت، ولی به سـایر تعدیلات ترتیب اثر نداد و در ۱۲ مارس ۱۹۹۸ طرح اصلاح شده را به شورا ارائه کرد. بررسی موضوع در گروه کاری شـورا با وجود مشـکلات سیاسی قابل توجه، ادامه پیدا کرد و برای بررسی بیشتر به کمیته نمایندگان دائم در بروکسل داده شد (Stokes, 2001, p. 80).

سـرانجام با انجام تعدیلاتی، موضع مشـترکی میان کمیسیون و پارلمان اروپایی در ۲۲ مـی ۲۰۰۰ به‌وجود آمد. توضیح اینکه اسـتثنای عدم اعمال حق تعقیب نسـبت به فروش مجددی که از زمان تحصیل آن از هنرمند سـه سـال نگذشته باشد، با قید اینکه قیمـت فروش از ۱۰۰۰۰ یورو تجـاوز نکند، مورد پذیرش قـرار گرفت و مبلغ ۱۲۵۰۰ یورو به‌عنوان نهایت امتیاز قابل پرداخت به پدیدآورنده تعیین شـد. به علاوه دولت‌های عضـوی که تا آن تاریخ از شناسـایی حق تعقیب خودداری کـرده بودند، در اجرای حق

14. German Federal Supreme Court
15. originals of work of visual art
16. original manuscripts
17. tariffs

Archive of SID

www.SID.ir

تعقیب نسبت به وراث پدیدآورندگانی که در گذشته فوت کرده‌اند، برای یک دوره موقت مخیر گردیدند و برای اجرای این دستورالعمل نیز ضرب‌الأجل طولانی مقرر شد.[۱۸] (M. Walter & Von Leminski, 2010, p. 844).

کمیتـهٔ قانونـی پارلمان اروپا[۱۹] در گـزارش ۲۸ نوامبـر ۲۰۰۰، اصلاحاتی در موضع مشترک یادشده اعمال کرد و بر این اساس از سویی، ۱۰۰۰ یورو را به‌عنوان حداقل قیمتی که مشـمول اعمال حق باشـد معین نمود. از سـوی دیگر، دوره انتقالی تعیین شده و نیز مدت ضرب‌الأجل اجرایی را به دو سال کاهش داد. افزون بر این با تعیین حداکثر دریافتی پدیدآورنده مخالفت نمود (Stokes, 2001, p. 85).

پارلمـان اروپایـی در دومین بررسـی خود موضع مشـترک کمیسـیون را بر مبنای اصلاحـات کمیتـهٔ قانونی در تاریخ ۱۳ دسـامبر ۲۰۰۰ تصویب کرد، ولـی در اظهار نظر خویش به تاریخ ۲۱ ژانویه ۲۰۰۱ با هدف جلوگیری از تداخل با سیستم‌های ملی، کاهش حداقل را به ۱۰۰۰ یورو نپذیرفت (M. Walter& Von Leminski, 2010, p. 845).

سـرانجام در تاریـخ ۱۰ آوریل ۲۰۰۱، میان شـورا و پارلمان اروپایـی توافقی مبنی بـر پذیرش متن مشـترک حاصل شـد. همین موضوع به تصویب دسـتورالعمل شـماره CE/۸۴/۲۰۰۷ مـورخ ۲۷ سـپتامبر ۲۰۰۱ پارلمان و شـورای اروپایی در خصوص حق تعقیب انجامید. این دسـتورالعمل در روزنامهٔ رسمی ۱۳ اکتبر ۲۰۰۱ اتحادیهٔ اروپا انتشار یافـت (M. Walter & Von Leminski, 2010, p. 846).[۲۰]

پیشـینهٔ حق تعقیـب در نظام حقوقی فرانسـه همان‌گونه که بیان شـد، به قانون ۲۰ مـی ۱۹۲۰ بازمی‌گـردد. در پی این قانون، مـادهٔ ۴۲ قانون ۱۱ مـارس ۱۹۵۷ در خصوص مالکیت ادبی هنری، به این حق اختصاص یافت. مقرره اخیر شـامل توسـعهٔ همین حق بود (Desbois, 1966, p. 336). در سال ۱۹۹۲ م و در پی تدوین قانون مالکیت فکری فرانسه، حکـم مزبور در مادهٔ L122-8 انعکاس یافت. این ماده نیـز به‌موجب قانون اول اوت ۲۰۰۶ که در پی وارد نمودن مقررات دستورالعمل اروپایی درخصوص حقوق ادبی و هنری و حقوق مجاور در جامعهٔ اطلاعاتی در قانون فرانسه بود (Cornu, 2009, p. 352, référence 62)، با اصلاحاتی مواجه گردید. برای اجرای مادهٔ مزبور و در راسـتای تعیین ترتیبات اجرایی آن مـاده، آیین‌نامه ۹ می ۲۰۰۷ دربارهٔ حق تعقیب و برای اعمال مادهٔ L122-8 قانون مالکیت فکری[۲۱] تصویب گردید.

---

۱۸. از موافقان جدی دوره انتقال طولانی مزبور، انگلیس بود که طبق برآوردهای صورت گرفته در آن زمان، ۷۰ درصد تجارت هنر در اروپا با حجم سالانه دو و نیم میلیون یورو را در اختیار داشت. هدف انگلیس در پذیرش دوره انتقال طولانی، جلب موافقت آمریکا برای یکسان‌سازی مالیات در سطح بین‌المللی بود که در نتیجه این اقدام ضعف لندن نسبت به نیویورک مرتفع می‌گشت (Stokes, 2001, p. 80).

19. European Parliament`s Legal Committee

۲۰. مطابق ملاحظهٔ ۱۵ دستورالعمل، اصول اساسی مؤثر بر عملکرد بازار داخلی هماهنگ‌سازی شد و تصمیم‌گیری در خصوص سایر مباحث به دولت‌های عضو واگذار گردید.

21. Décret n° 2007- 756 du 9 mai 2007 pris pour l'application de l'article L. 122-8 du code de la propriété intellectuelle et relatif au droit de suite.

Archive of SID

www.SID.ir

برخـلاف نظام حقوقی فرانسـه که در عرصهٔ قانون‌گذاری حق تعقیب پیشـتاز بوده است، نظام حقوقی انگلستان با شناسایی این حق و تصویب دستورالعمل اروپایی مخالف بود. دلیل نگرانی این کشور از هماهنگ‌سازی در خصوص حق تعقیب را می‌توان در بروز آسـیب به بازار هنری داخلی (Goldstein & Hugenholtz,2010, p. 314) و انتقال فـروش آثار هنری به خـارج از خاک اروپا، به‌ویژه به نیویورک (Bently & Sherman, 2001, p. 330; Marett, 2002, p. 78)، به‌عنوان رقیب عمده بازار لندن، خلاصه کرد. در هر حال انگلستان نیز در نهایت در ۱۴ فوریه ۲۰۰۶ رسماً حق تعقیب راپذیرفت، ولی با اسـتفاده از اختیارات مقرر شده در بندهای دو و سه مادهٔ ۸ دستورالعمل، حق مذکور را صرفـاً در خصوص بازفروش آثار هنری پدیدآورندگانی که در قید حیات بودند، اعمال کرد. کشـور انگلستان از این اختیار برای یک دوره دو ساله دیگر نیز استفاده کرد و حق تعقیب را تا سـال ۲۰۱۲ به بازفروش آثار هنری پدیدآورندگانی که در قید حیات بودند، محـدود نمـود (Hart & Fazzani & Clark, 2009, pp. 214-215).

در نظـام حقوقی ایـران حق تعقیب در هیچ یک از قوانیـن از جمله قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، پیش‌بینی نشده است.

**بند سوم: مبانی حق تعقیب**

در راسـتای توجیـه پذیرش حق تعقیب، موافقان مبانی متعـددی ارائه دادند. در عین حال حق تعقیب با مخالفت‌هایی نیز روبرو شـد. به همین جهـت، ضمن بیان مهم‌ترین مبانی و استدلال‌های توجیه‌کنندهٔ حق تعقیب، به نقد و بررسی دلایل مخالفان نیز خواهیم پرداخت.

۱. یکی از مبانی ارائه شده توسط گروهی از حقوق‌دانان (Desbois, 1966, p. 336; Stokes, 2001, p. 78; Davis et al., 2002, p. 373; M. Stewart & Sondison, 1989, p. 70) برای پذیرش حق تعقیب، این اسـت کـه پدیدآورندگان آثار موضوع حق تعقیب در مقایسـه با سـایر پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری در موقعیت نامناسـبی قرار دارنـد. در واقع پدیدآورندگان سـایر آثار ادبی و هنری (غیـر از آثار موضوع حق تعقیب)، در تمـام مدت حمایـت از اثر، از طریق اجرای حقوقی چون حق تکثیر یا اجرا[۲۲] و دریافت سـود مسـتمر، در عواید به دسـت آمده از اثر خود سـهیم می‌شـوند و به این ترتیب در موفقیت و منافع به‌دسـت آمده مشـارکت دائم دارند. این در حالی اسـت که آثار هنری موضـوع حق تعقیب از چنین ویژگی برخوردار نیسـت. توضیح اینکه آن‌گونه که برخی از حقوق‌دانـان (M. Walter & Von Leminski, 2010, p. 836.) بیان نموده‌اند، مطابق قاعدهٔ فروش نخسـت، به محض فروش، اثر از دایرهٔ اختیارات پدیدآورنده خارج می‌شـود و نامبـرده نمی‌تواند از منافع ناشـی از چرخهٔ معاملات بعـد از فروش اول بهره گیرد و در موفقیت‌های آتی اثر سهیم گردد. به دیگر سخن، عواید حاصل از فروش به واسطه‌های بازار هنر تعلق می‌گیرد (Davis et al., 2002, p. 373)؛ در حالی که موفقیت اقتصادی اثر به دنبال تلاش خلاقانه پدیدآورنده حاصل شـده است. بنابراین پذیرش حق تعقیب می‌تواند

22. performance.

Archive of SID

www.SID.ir

این نقیصهٔ را تا حدودی جبران نموده، عوض منصفانه‌ای را برای پدیدآورنده تدارک بیند.

در همین راستا، ملاحظهٔ سوم دستورالعمل اروپایی نشان می‌دهد که هدف کشورهای عضو در پذیرش حق تعقیب، تضمین مشارکت پدیدآورندگان آثار هنری گرافیکی در موفقیت‌های حاصل از آفرینش‌های ایشان بوده است.

البته در نقد این مبنا، ادعا شده که مصادیق آثاری که در آینده ممکن است با افزایش قیمت مواجه گردند محدود بوده، همه آثار موضوع حق تعقیب را در بر نمی‌گیرد (M. Walter & Von Leminski, 2010, p. 836). ولی باید توجه داشت که صرف نظر از صحت و سقم این ادعا، کم بودن مصادیق مشمول حق تعقیب، مانعی در راه شناسایی حق مذکور نیست و اهمیت آثار هنری و لزوم حمایت از هنرمندان، شناسایی این حق را توجیه می‌کند.

۲. یکی دیگر از مبانی و دلایل توجیه کنندهٔ حق تعقیب این است که در مقام ارزیابی اطراف قرارداد، پدیدآورنده طرف ضعیف قرارداد محسوب می‌شود، زیرا اغلب پدیدآورندگان نسبت به خریدار قدرت تجاری کمتری دارند (Stokes, 2001, p. 77; Davis et al, 2002, p. 373). این وضعیت زمانی تشدید می‌شود که هنرمندان به دلیل جوان و ناشناس بودن، مجبور به فروش آثار خود با قیمت نازل می‌شوند (M. Walter & Von Leminski, 2010, p. 836; Stokes, 2001, p. 77).البته در برابر دلیل مذکور، ادعا شده که عدم تساوی قدرت اقتصادی طرفین دلیلی برای بهره‌مندی پدیدآورنده از حق تعقیب نیست، زیرا به فرضی که وی در قید حیات باشد، می‌تواند با خلق آثار جدید آن‌ها را به قیمت بالایی به فروش برساند (Davis et al., 2002, p. 373).این ایراد نیز وارد نیست، زیرا بهره‌مندی هنرمند از فروش آثار جدید خود، نمی‌تواند دلیل بر عدم حمایت از وی در خصوص آثار گذشته‌اش باشد.

همچنین در نقد پذیرش حق تعقیب بر اساس استدلال فوق، گفته شده است که ضعف قرارداد مختص پدیدآورندگان آثار هنری موضوع حق تعقیب نیست، بلکه عدم تعادل در اکثر قراردادهایی که یک طرف آن پدیدآورنده اثر هنری است، وجود دارد (Davis et al., 2002, p. 373). در پاسخ باید گفت، اگرچه لازم است که همهٔ هنرمندان مشمول حمایت قانون‌گذار قرار گیرند، لیکن وضعیت مذکور در خصوص آثار هنری موضوع حق تعقیبْ شدت بیشتری داشته، شناسایی این حق می‌تواند نابرابری موجود را کاهش دهد.

۳. همچنین در تقویت لزوم پذیرش حق تعقیب می‌توان به آثار اقتصادی آن اشاره نمود؛ با این توضیح که مشارکت هنرمندان در عواید حاصل از بازفروش، موجب افزایش انگیزهٔ آنها در تولید آثار هنری و نیز توسعهٔ سرمایه‌گذاری و فروش این گونه آثار می‌گردد (Bently & Sherman, 2001,p. 329; Davis et al., 2002, p. 373).

به همین دلیل ملاحظهٔ نهم دستورالعمل اروپایی در مورد حق تعقیب، وجود یا فقدان حق تعقیب را از عوامل مؤثر بر فروش آثار هنری دانسته است، زیرا تصمیم‌گیری پدیدآورنده مبنی بر فروش یا نگهداری اثر خود، می‌تواند متأثر از وجود یا عدم وجود حق تعقیب باشد.

به اعتقاد مخالفان حق تعقیب، با توجه به گسترهٔ محدود این حق، پذیرش این حق

Archive of SID

www.SID.ir

در عملْ تأثیر اقتصادی اندکی دارد (Stokes, 2001, p. 78).افزون بر این، ادعا شـده است که حق تعقیب موجب کم شـدن انگیزهٔ واسـطه‌ها برای خرید و فروش آثار هنری می‌شود (Mcaleer & Oxley, 2007, p. 89) کـه البته به‌نظر می‌رسـد که این ادعا به قدر کافی مستند نیست.

۴. یکی دیگر از اسـتدلال‌هایی که در مقام ارائه مبنای حق تعقیب ذکر گردیده، این اسـت که هنگام انعقاد نخسـتین قرارداد فروش، معیار صحیحی برای ارزش‌گذاری وجود ندارد. اصولاً این‌گونه آثار هنگامی که وارد بازار و چرخهٔ معاملات می‌شـوند، ارزش واقعی خود را پیدا می‌کنند (ر.ک. امامی، ۱۳۸۶، ص۱۹۱).

بـا توجه بـه دلایل ارائه شـده و نیز آن‌گونه کـه برخی از حقوق‌دانان فرانسـوی (Lucas, 2001, p. 295; Pollaud-Dulian, 2005, p. 552؛همچنیـن ر.ک. کلمبـه، ۱۳۸۵، ص۱۴۵) بیان کرده‌اند، می‌توان ملاحظات مربوط به انصاف را مبنای اصلی حق تعقیب دانسـت. به دیگر سـخن، انصاف به پذیرش حق تعقیب حکم می‌کند و ارج نهـادن به مقام هنرمندان و حمایت ویژه از ایشـان ایجاب می‌کند تا حق مذکور هرچند به‌صورت محدود پذیرفته شـود.

در حقوق ایران نص قانونی در ارتباط با حق تعقیب پیش‌بینی نشـده اسـت. اگرچه برخـی از حقوق‌دانان پذیرش این حق را به زیان هنرمندان می‌دانند (ر.ک. امامی، ۱۳۸۶، ص۱۹۲)، ولی به‌نظر می‌رسـد با توجه به منطق حاکم بر مبانی یاد شـده، مناسـب است قانون‌گذار ایران نیز با استفاده از تجارب نظام‌های حقوقی پیشرو در حق تعقیب، با در نظر گرفتن شـرایط حاکم بر جامعه، به پذیرش حق مزبور به‌صورت محدود و متناسـب اقدام نمایـد. در عین حال در وضع موجود پدیدآورندگان آثار هنـری می‌توانند از نهاد حقوقی «شرط ضمن عقد» برای تأمین منافع خویش بهره‌گیرند؛ به‌ویژه اینکه در خصوص موضوع شرط، سـخت‌گیری‌های موجود درباره عوضین در قراردادهای معاوضی وجود ندارد. برای نمونه، علم اجمالی به موضوع شـرط برای صحت آن کافی به‌نظر می‌رسـد (برای مطالعه تفصیلـی در ایـن خصوص رک. قبولی درافشـان، ۱۳۹۱، ص۳۳). بنابراین اشـتراط حق تعقیب (سـهیم شدن در منافع آینده حاصل از فروش‌های بعدی) در قرارداد با این اشکال لزوم علم تفصیلی به موضوع قرارداد مواجه نخواهد شد.

**مبحث دوم: قلمرو، ذینفع و متعهد حق تعقیب**

در خصوص حق تعقیب، از سویی باید توجه داشت که گسترهٔ حق تعقیب همهٔ آثار هنری را در بر نمی‌گیرد، بلکه فقط برخی از آنها در قلمرو موضوعی این حق قرار دارند. بنابراین شایسته است آثار هنری موضوع حق تعقیب بررسی شوند. همچنین باید دید حق تعقیب به چه قراردادهایی تعلق می‌گیرد؛ به دیگر سخن، آیا نوع و ماهیت قراردادهایی که نسبت به اثـر هنری صورت می‌پذیرد و موجب چرخش آن ایـادی متعاقب می‌گردد، تأثیری در تعلق حق تعقیب دارد یا خیر؟ (بند نخست). از سوی دیگر، لازم است ذینفعان و متعهدان حق تعقیب بررسی شوند (بند دوم).

Archive of SID

www.SID.ir

**بند نخست: قلمرو حق تعقیب**

برای بررسی حق تعقیب شایسته است از سویی، قلمرو آن را از حیث نوع اثری که حق تعقیب به آن تعلق می‌گیرد، مورد مطالعه قرار داد (بند الف) و از سوی دیگر، قلمرو مذکور را از جنبهٔ نوع معاملات ناظر به آثار هنری مزبور بررسی نمود (بند ب).

**الف) آثار موضوع حق تعقیب**

مبانی ارائه شده برای پذیرش حق تعقیب اقتضا می‌کند تا این حق را بر آثاری که با اولین فروش از دایرهٔ اختیارات پدیدآورنده خارج می‌شود، جاری کنیم. لذا آثاری که بهره‌برداری از آن‌ها مشارکت مستمر پدیدآورنده را در پی دارد، از قلمرو موضوعی این حق خارج است. بنابراین آثار هنری اصلی از حق تعقیب برخوردار هستند. البته باید توجه داشت که مفهوم «اثر هنری اصلی» با مفهوم «اثر هنری اصیل» متفاوت است. به همین دلیل برخی از نویسندگان فرانسوی (Pollaud-Dulian, 2005, p. 555) برای جلوگیری از خلط مفاهیم، پیشنهاد کرده‌اند که به جای اصطلاح «œuvre originale»، از اصطلاح «l'original d'œuvre» استفاده شود. به دیگر سخن، اصالت در شرط حمایت از تمام آثار ادبی و هنری است، ولی حق تعقیب صرفاً برخی از آثار ادبی و هنری را دربرگرفته، شامل آثار هنری اصلی است. اثر هنری اصلی نقطهٔ مقابل نسخه‌های کپی شده از آن اثر است.

مادهٔ دو دستورالعمل اروپایی، آثار برخوردار از حق تعقیب را توضیح داده است. به‌موجب بند نخست این ماده، منظور از آثار هنری اصلی، آثار هنری گرافیکی یا تجسمی مانند تابلوها، کلاژها، نقاشی‌ها، طرح‌ها، گراورها، استامپ‌ها، لیتوگرافی‌ها، مجسمه‌ها، پرده‌های نقش‌دار، سرامیک‌ها، عکس‌ها می‌باشد؛ مشروط بر اینکه آفرینه‌های مزبور را خود پدیدآورنده اجرا کرده یا نمونهٔ همسان همان آثار هنری اصلی باشد.

بند دوم همین ماده نمونه‌های یاد شده را تبیین می‌کند. به‌موجب این بند، نسخه‌های همسان با آثار اصلی، نُسخی هستند که به‌صورت معدود و محدود توسط خود هنرمند یا با مسئولیت وی اجرا شده‌اند. این دسته از آثار را باید خود پدیدآورنده، شماره‌گذاری، امضا و یا به شیوهٔ بایسته دیگری تجویز کرده باشد.

بند نخست مادهٔ فوق با استفاده از عبارت «توسط خود هنرمند ساخته شده باشد»، بسیاری از آثار هنری را از شمول حق تعقیب خارج می‌کند. دربارهٔ این حکم باید گفت، از سویی در برخی موارد پدیدآورنده با ترکیب مواد صنعتی، زائد یا مواد ساختمانی آثاری را خلق می‌کند که با استقبال گسترده‌ای روبرو شده، مبالغ هنگفتی برای تحصیل آن‌ها پرداخت می‌شود. با توجه به اینکه آثار مزبور بدون ایجاد تغییر و به صِرف ترکیب خلق شده‌اند، در قلمرو اجرایی حق مذکور قرار نمی‌گیرند؛ مگر اینکه عبارت «توسط هنرمند ساخته شده باشد» را به معنای «توسط هنرمند تدارک و تنظیم شده باشد» تفسیر کنیم. از سوی دیگر، آثار بزرگ هنری حاصل فعالیت تیم‌هایی است که در استخدام پدیدآورنده هستند. اگرچه این‌گونه آثار منتسب به پدیدآورنده است، ولی عبارت «توسط هنرمند ساخته‌شده باشد» قابل انطباق بر آثار مزبور نیست (Davis et al., 2002, p. 374).

Archive of SID

www.SID.ir

البته برخی از نویسندگان (Davis et al., 2002, p. 374) گسترش دامنهٔ اجرایی حق این گونه آثار را از بُعد تفسیری و تقنینی شایسته دانسته‌اند.

شمول حق تعقیب بر نُسخ خطی و دست‌نوشته‌های اصلی[۲۳] در کنار آثار هنری دیداری شایسته بررسی است، ولی در این خصوص اتفاق نظر وجود ندارد. آن‌گونه که برخی از نویسندگان (M Walter & Von Leminski, 2010, p. 839; cf. Pollaud-Dulian, 2005, p. 555) بیان داشته‌اند، با توجه به اینکه فروش‌های بعدی نُسخ خطی و دست‌نوشته‌های پدیدآورنده با مبالغ بالا صورت می‌گرفت، حق تعقیب نسبت به این دسته از آثار در طرح کمیسیون اروپایی به سال ۱۹۹۶ م مورد پذیرش قرار گرفت. لیکن با توجه به اختلاف نظرهای موجود و مخالفت پارلمان اروپا، دیدگاه مشترکی در این زمینه حاصل نگردید و در نتیجه حق تعقیب در خصوص آثار مزبور در دستورالعمل اروپایی مورد پذیرش قرار نگرفت. بلکه در ملاحظهٔ نوزدهم دستورالعمل، بر خروج نُسخ خطی اصلی از شمول اجرای حق تعقیب تصریح گردید. بر اساس این ملاحظه آمده است: «تصریح به این نکته مفید است که هماهنگ‌سازی موضوع این دستورالعمل نسبت به دست‌نوشته‌های اصلی نویسندگان و آهنگ‌سازان اعمال نمی‌گردد»[۲۴]. البته باید توجه داشت، همان‌گونه که برخی از حقوق‌دانان فرانسوی (Pollaud-Dulian, 2005, p. 555) بیان داشته‌اند، ملاحظهٔ مزبور کشورهای عضو را از اعمال حق تعقیب نسبت به این گونه دست‌نوشته‌های منع نمی‌نماید. بلکه فقط آن‌ها را خارج از محدوده هماهنگ‌سازی دستورالعمل به‌شمار می‌آورد.

برخلاف دستورالعمل اروپایی، کنوانسیون برن حق تعقیب را در مورد دست‌نوشته‌های اصلی به رسمیت شناخته است. به‌موجب بند یک مادهٔ ۱۴ سوم کنوانسیون مزبور، نویسندگان و آهنگ‌سازان و جانشین قانونی ایشان نسبت به بازفروش آثار هنری اصلی و دست‌نوشته‌های اصلی خود از حق تعقیب برخوردارند.

در نظام حقوقی فرانسه، به‌موجب مادهٔ L122-8 قانون مالکیت فکری این کشور، حق تعقیب ناظر به آثار اصلی گرافیکی و تجسمی (زیباشناختی)[۲۵] است. این ماده شمول حق تعقیب را نسبت به دست‌نوشته‌های اصلی نویسندگان و آهنگ‌سازان تصریح نکرده است.

در خصوص مفهوم آثار اصلی گرافیکی و تجسمی و نیز شمول حق تعقیب نسبت به دست‌نوشته‌های اصلی، برخی از حقوق‌دانان فرانسوی (Pollaud-Dulian, 2005, p. 555) آثار تجسمی را شامل تمامی آثاری دانسته‌اند که در قلمرو هنرهای زیبا قرار می‌گیرد و در این راستا مصادیقی از قبیل نقاشی، طرح، گراور، فرشینه، مبل‌های زینتی، ظروف بلوری و مجسمه را به‌عنوان نمونه نام برده‌اند. به اعتقاد آنها، مفهوم آثار گرافیکی متمایز از آثار تجسمی است، ولی قانون‌گذار با بیان آثار گرافیکی در کنار آثار تجسمی، در صدد این بوده است که دست‌نوشته‌های اصلی آثار ادبی و موسیقایی را در قلمرو حق تعقیب قرار دهد.

23. original manuscripts (manuscrits originaux).
24. "Il est utile de préciser que l'harmonisation découlant de la présente directive ne s'applique pas aux manuscrits originaux des écrivains et des compositeurs."
25. plastiques.

Archive of SID

www.SID.ir

در نظام حقوقی انگلستان نیز همچون دستورالعمل اروپایی، به‌موجب مادهٔ ۴ آیین‌نامه حق بر بازفروش، این حق برای پدیدآورندگان آثار اصلی گرافیکی و تجسمی در نظر گرفته شده است.

**ب) معاملات دربردارندهٔ حق تعقیب**

به‌موجب حق تعقیب، پدیدآورنده در عواید حاصل از فروش‌های بعدی اثر ذینفع است. بنابراین بدیهی است که اولین فروش توسط پدیدآورنده از قلمرو اعمال حق خارج بوده، اجرای حق مزبور ناظر به فروش‌های پس از اولین انتقال است.

با این حال این سؤال باقی است که آیا ماهیت و نوع قراردادی که به‌موجب آن پدیدآورنده اثر خود را به دیگری منتقل می‌نماید، تأثیری در پیدایش بعدی حق تعقیب دارد یا خیر؟ به‌موجب بند ۱ مادهٔ ۱۲ آیین‌نامهٔ حق بازفروش انگلستان، انتقال از طریق فروش موضوعیت نداشته، چنانچه انتقال از طریق هبه، وصیت و امثال آن رخ دهد نیز بر فرض وجود شرایط، پدیدآورنده نسبت به قراردادهای بعدی حق تعقیب پیدا خواهد کرد.

پرسش دیگری که در این قسمت باید به آن پاسخ داد، این است که آیا شرط پیدایش حق تعقیب این است که انتقال‌های بعدی در قالب عقد بیع صورت پذیرد یا ماهیت قرارداد بعدی تأثیری در این خصوص ندارد؟ اهمیت طرح این سؤال در این است که حق تعقیب با عنوان «حق بر بازفروش» (Resale right) مطرح شده است.

در پاسخ باید گفت در عبارت‌های قانونی[۲۶] و تعابیر حقوق‌دانان اروپایی[۲۷]، صرفاً از بازفروش و عقد بیع سخن به میان آمده است و از سایر قراردادها حرفی نیست. لیکن چنانچه نهاد حقوقی مزبور در نظام حقوقی ایران مورد پذیرش قرار گیرد، به‌نظر می‌رسد محدود نمودن پیدایش حق تعقیب به بازفروش (عقد بیع) دارای توجیه کافی نخواهد بود، بلکه باید آن را اعم از هرگونه انتقال معاوضی ناظر به انتقال مالکیت اثر هنری دانست.

نکته دیگری که دربارهٔ قراردادهای دربردارندهٔ حق تعقیب باید مورد توجه قرار داد، این است که در ملاحظهٔ ۱۸ دستورالعمل با استفاده از عبارت «هر نوع عمل بازفروش»، اجرای حق را محدود به فروش‌های خاص از قبیل فروش از طریق مزایده ندانسته است. لیکن مطابق بند دو مادهٔ یک دستورالعمل، تحقق حق مذکور وابسته به آن است که لااقل یکی از میان فروشندگان، خریداران یا واسطه‌های فروش جزء اشخاص حرفه‌ای بازار هنر (مانند سالن‌های فروش مربوط به متصدیان حراج و گالری‌های هنری و به‌طور کلی هر تاجر آثار هنری) باشند.[۲۸]

در نظام حقوقی فرانسه تا قبل از تصویب قانون ۱۱ مارس ۱۹۵۷ در خصوص حقوق

---

۲۶. به‌عنوان نمونه، رک. ملاحظه ۱ و ۱۸ و مواد ۱ و ۹ دستورالعمل اروپایی.

۲۷. به‌عنوان نمونه، رک. (Pollaud-Dulian, 2005, p. 552; Hart & Fazzani & Clark, 2009, p. 214)

۲۸. مطابق نظر برخی (زرکلام، ۱۳۸۷، ص ۱۷۰)، دستورالعمل اروپایی فقط نوع اثر را شرط لازم جهت اجرای حق دانسته است.

Archive of SID

www.SID.ir

ادبی و هنری[۲۹]، حق تعقیب صرفاً به فروش‌هایی که از طریق مزایده[۳۰] انجام می‌شد، تعلق می‌گرفت (M. Walter & Von Leminski, 2010, p. 839). در سال ۱۹۵۷ با تصویب مـادهٔ ۴۲ قانون مزبور، قلمرو فروش‌هایی که می‌توانسـت حق تعقیـب را به ارمغان آورد، توسـعه یافت. به موجب این ماده، در کنار فروش‌هـای از طریق مزایده، فروش‌هایی که با وساطت یک تاجر انجام می‌شد هم شامل این حق قرار گرفت.

این وضعیت حتی با تدوین قانون (کُد) مالکیت فکری فرانسه در سال ۱۹۹۲ م استمرار یافت تا اینکه در سال ۲۰۰۶ م قانون‌گذار فرانسه در مقام وارد کردن مقررات دستورالعمل اروپایی شـماره CE/2001/29 راجع به هماهنگ‌سـازی برخـی جلوه‌های حقوق ادبی و هنری و حقوق مجاور در جامعهٔ اطلاعاتی[۳۱]، با اصلاح مادهٔ L122-8 قانون مالکیت فکری فرانسـه، برای مزایدهٔ عمومی نقشـی در پیدایش حق تعقیب قائـل نگردید. به‌موجب این مـاده، حق تعقیب بـه قراردادهای بیعی تعلق می‌گیرد که یکی از اشـخاص حرفه‌ای بازار هنر[۳۲] به‌عنوان فروشنده، خریدار یا واسطه ایفای نقش نماید.

به‌موجب بند ۳ مادهٔ ۱۲ آیین‌نامه حق بازفروش انگلسـتان نیز حق مزبور در صورتی اجرا می‌شـود که حداقل یکی از اشـخاص دخیل در بازفروش جزء اشخاص حرفه‌ای بازار هنر باشند.

مسئلهٔ دیگر قابل بررسی، بازهٔ زمانی و نیز مبلغ و میزان ثمن در قراردادهای بازفروش اسـت. به دیگر سـخن، آیا لازم اسـت بازفروش دربردارندهٔ حق تعقیب پس از مدت زمان مشخصی انجام شود، و آیا مبلغ قرارداد بازفروش، بر تعلق یا عدم تعلق حق تعقیب تأثیری دارد یا خیر؟

بنـد ۳ مادهٔ یک دسـتورالعمل اروپایی به کشـورهای عضو اختیار داده اسـت که در مواردی مبلغ قرارداد و بازهٔ زمانی را برای تعلق حق تعقیب مؤثر به‌شـمار آورند. به‌موجب مقـررهٔ مزبور، «در مواردی که فروشـنده اثر را مسـتقیماً از پدیدآورنده تحصیل نموده و فاصله میان قرارداد مزبور تا زمان بازفروش کمتر از ۳ سـال باشد و ثمن قرارداد بازفروش نیز متجاوز از ۱۰/۰۰۰ یورو نباشد، دولت‌های عضو می‌توانند مقرر نمایند که حق مقرر در پاراگراف ۱ [حق تعقیب] اعمال نگردد.»

در خصـوص نظام حقوقی انگلسـتان نیز باید گفت، بند ۴ مـادهٔ ۱۲ آیین‌نامهٔ حق بر بازفـروش، از عـدم اجرای حق تعقیب در خصـوص فروش مجدد اثر هنـری که از زمان تحصیل آن از هنرمند ۳ سـال نگذشـته و قیمت فروش آن کمتر از ۱۰/۰۰۰ یورو باشـد، سخن گفته است.

29. La loi du 11 mars 1957 sur le droit d'auteur.
30. enchères.
31. Directive 2001/29/CE du Parlement européen et du Conseil du 22 mai 2001 sur l'harmonisation de certains aspects du droit d'auteur et des droits voisins dans la société de l'information.
32. Un professionnel du marché de l'art.

Archive of SID

www.SID.ir

**بند دوم: ذینفع و متعهد حق تعقیب**

اصولاً پدیدآورندگان آثار مزبور، ذینفع حق تعقیب به‌شـمار می‌آیند. ولی باید دید پس از فوت نامبرده، چه شـخص یا اشـخاصی از حق مزبور بهره‌مند می‌شوند (بند الف). به‌علاوه شایسته است متعهد حق تعقیب مورد بررسی قرار گیرد (بند ب).

**الف) ذینفع حق تعقیب**

در خصوص قلمرو شخصی، از سویی باید دید آیا حق تعقیب منحصراً برای خود پدیدآورنده است و با فوت وی منتفی می‌شود یا اینکه پس از فوت وی نیز اشخاصی از این حق بهره‌مند می‌گردند. از سـوی دیگر، باید بررسی نمود که آیا پدیدآورندگان آثار موضوع حق تعقیب، فارغ از تابعیت و محل اقامت خود از حق تعقیب برخوردار هسـتند یا برای برخورداری از حق مزبور، شرایطی از جمله تابعیت اعمال می‌گردد.

با توجه به مبانی ارائه شده برای حق تعقیب، به‌طور طبیعی مشارکت در عواید حاصل از بازفروش (حق تعقیب) متعلق به پدیدآورنده‌ای است که با فعالیت هنرمندانه خود اثری را خلق کرده اسـت. بنابراین ذینفع اصلی حق تعقیب، شـخص پدیدآورنده می‌باشد. البته لازم به ذکر اسـت، در خصوص آثار مشـترک، همه پدیدآورندگان از حق مزبور برخوردار خواهند بود. در این رابطه، مادهٔ ۵ آیین نامه حق بازفروش انگلسـتان، پدیدآورندگان آثار مشـترک را به‌طور مساوی بهره‌مند از حق تعقیب دانسته، توافق برخلاف آن را در صورتی معتبر می‌داند که به‌صورت مکتوب بوده و به امضای طرفین یا نمایندگان آنها رسیده باشد.

البته سـؤال مهم این است که پس از فوت پدیدآورنده یا پدیدآورندگان، چه شخص یا اشـخاصی ذینفع حق مزبور هستند؟ توضیح اینکه آیا ورثهٔ پدیدآورنده به‌عنوان قائم‌مقامان عام وی، برخوردار از حق تعقیب می‌گردند؟ آیا حق تعقیب از طریق وصیت قابل انتقال است؟

اگرچه حق تعقیب متعلق به پدیدآورنده است، ولی با فوت وی این حق زایل نمی‌شود و عواملـی چون نیازمندی خانوادهٔ مشـارالیه (Stokes, 2001, p. 76)، ادامهٔ حیات حق تعقیب را موجه می‌سـازد. ملاحظهٔ ۱۷ دسـتورالعمل خاطرنشـان می کند تا زمانی که اثر تحت حمایت باشـد، حق تعقیب نیز جاری اسـت[۳۳]. لذا حق مذکور از زمان اجباری شدن دسـتورالعمل آغاز می‌شـود و تا پایـان مدت حمایت از اثر نیز ادامـه می‌یابد (Davis et al., 2002, P. 373). با این حال دسـتورالعمل اروپایی در مادهٔ ۸ خود به کشـورهایی که حق تعقیب را مورد شناسـایی قرار نداده‌اند، اختیـار می‌دهد حق مذکور را صرفاً در مورد هنرمنـدان زنده اعمال کنند، ولی این مجوز برای یـک دوره موقت و تا اول ژانویهٔ ۲۰۱۰ در نظر گرفته شـد که با ارائه دلایل موجه از سـوی کشور متقاضی افزون بر دو سال قابل تمدید بود. مطابق بند دو این ماده، کشور متقاضی می‌بایست حداقل ۱۲ ماه پیش از آنکه دوره موقت پایان پذیرد، دلایل خود را برای تمدید مدت به کمیسیون ارائه کند. کمیسیون

۳۳. به‌موجب دستورالعمل EEC/98/93 مصوب ۲۹ اکتبر ۱۹۹۳، حمایت از اثر و حقوق آن تا هفتاد سال پس از فوت پدیدآورنده ادامه دارد.

Archive of SID

www.SID.ir

پـــس از رایزنی و مشـــورت، در حدود ۳ ماه پس از دریافت درخواســـت، نظر خود را اعلام می‌کند. در صورتی که دولت متقاضی با نظر اعلام شـــده موافق نباشـــد، مکلف است ظرف مدت یک ماه دلایل مخالفت خود را به کمیســـیون اعلام نماید. توجیهات کشـــور متقاضی و نظر کمیســـیون می‌بایست در روزنامه رسمی کمیســـیون اروپایی[۳۴] منتشر و به پارلمان اروپایی ارسال شود.

دستورالعمل اروپایی در خصوص انتقال حق تعقیب به موصی‌لهم تصریحی ندارد. البته حســـب ادعای برخـــی (M. Walter & Von Leminski, 2010, p. 844)، هنگام تهیه و تدوین متن دســـتورالعمل، محدودیت جانشینی به وراث قانونی پدیدآورنده و محرومیت ســـایر اشخاص در پیشـــنهادات پارلمان اروپایی وارد شده بود، ولی کمیسیون در مطالعات خود به این موضوع توجهی نکرد.

به‌موجب مادهٔ L123-7 قانون مالکیت فکری فرانسه، حق تعقیب پس از فوت پدیدآورنده و هفتاد ســـال پس از آن به ورثهٔ وی و همســـرش که شرایط مادهٔ L123-6 را داشته باشد، تعلـــق می‌گیـــرد[۳۵]. این حق به‌موجب وصیت قابل انتقال نیســـت و ســـایر قائم‌مقامان از آن برخوردار نخواهند بود. برخی از حقوق‌دانان فرانسوی (Pollaud-Dulian, 2005, p. 561) مبنای پیش‌بینی حق تعقیب برای خانواده هنرمند را در این می‌دانند که خانوادهٔ پدیدآورنده نیـــز وی را در دوران زندگی مورد حمایت قرار داده و همراه وی ســـختی‌ها و مرارت‌هایی را تحمل نموده‌اند.

بر اســـاس برداشت از بند ۲ مادهٔ ۳ آیین‌نامهٔ حق بازفروش انگلستان، جانشینی وراث پس از فوت پدیدآورنده پذیرفته شده است. همچنین به‌موجب بند ۵ مادهٔ ۳ این آیین‌نامه، انتقـــال حـــق از طریق وصیّت صحیح و معتبر اســـت و به‌موجب مـــادهٔ ۹ همین آیین‌نامه، پدیدآورنده می‌تواند هر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی را به‌عنوان جانشین خود معرفی کند (I. Bainbridg, 2009, p. 138).

کنوانســـیون برن تعیین اشخاص صالح (ذینفعان حق تعقیب پس از فوت پدیدآورنده) را به قوانین ملی واگذار کرده اســـت. به‌موجب بند یک مادهٔ ۱۴ سوم کنوانسیون برن، حق تعقیـــب پس از فوت پدیدآورنده به اشـــخاص یا نهادهایی کـــه به‌موجب قوانین ملی دارای صلاحیت شـــناخته شده‌اند، انتقال می‌یابد. البته به‌موجب بند دوم این ماده، حمایت مزبور در کشـــورهای عضو اتحادیه در چهارچوب مقررات کشور محل مطالبه و مشروط بر تجویز قانون ملی پدیدآورنده، قابل مطالبه است.

در پایان این قســـمت اشـــاره به این نکته نیز شایسته اســـت که هرچند اصولاً ذینفع می‌تواند شخصاً به ادارهٔ حقوق خویش بپردازد، ولی در زمینه حقوق ادبی و هنری و حتی حقـــوق مجاور، با ادارهٔ جمعی حق مواجه هســـتیم که به‌موجب آن مجامع و شـــرکت‌های

34. the Official Journal of the European Communities.

۳۵. به‌موجب مادهٔ مزبور، شرط برخورداری همسر پدیدآورندهٔ اثر پس از فوت وی نسبت به حقوق بهره‌برداری از اثر، این است که حکم قطعی مبنی بر افتراق جسمانی درخصوص ایشان صادر نشده باشد. افزون بر این، حق مزبور با ازدواج بعدی همسر از بین می‌رود.

Archive of SID

www.SID.ir

ویژه‌ای برای استیفای حقوق دارندگان حق، به نام و به حساب ایشان اقداماتی می‌نمایند.

بند ۲ مادهٔ ۶ دستورالعمل اروپایی تصمیم‌گیری در مورد الزامی یا اختیاری بودن ادارهٔ جمعی حق تعقیب را به کشورهای عضو واگذار نموده است.

در نظام حقوقی فرانسه، سیستم ادارهٔ جمعی[۳۶] از قرن هجدهم برای اجرای مؤثر حقوق پدیدآورنده پیش‌بینی گردید. سیستم مزبور که در قرن نوزدهم و به‌ویژه قرن بیستم توسعه زیادی یافت، در ابتدا متمرکز بر حقوق اصلی هنرمند بود، ولی به تدریج ادارهٔ حقوق مرتبط را نیز به عهده گرفت. (Pollaud-Dulian, 2005, p. 679) در حال حاضر اعمال حق تعقیب به‌عنوان یکی از حقوق اساسی پدیدآورنده، تحت نظارت سیستم مزبور صورت می‌گیرد (Goldstein & Hugenholtz, 2010, p. 314).

به‌موجب مادهٔ ۱۴ آیین‌نامه حق بازفروش انگلستان، امکان ادارهٔ جمعی حق تعقیب توسط شرکت‌های جمعی ذی‌صلاح پیش‌بینی شده است.[۳۷]

طبیعی است ادارهٔ حقوق پدیدآورنده از طریق سیستم جمعی از قدرت و اقتدار بیشتری برخوردار است[۳۸]، زیرا از سویی پدیدآورنده فاقد آگاهی‌های لازم برای ادارهٔ بهتر حقوق نسبت به اداره جمعی است و از سویی دیگر، در اغلب موارد در مذاکراتی که پدیدآورنده با بهره‌برداران یا استفاده‌کنندگان همچون ناشران، مؤسسات رادیوتلویزیونی و کتابخانه‌ها انجام می‌دهد، از قدرت کافی و شرایط برابر برخوردار نیست، زیرا آنها از نظر اقتصادی در وضعیت برتری قرار دارند و می‌توانند شرایط خویش را بر پدیدآورنده تحمیل نمایند. افزون بر این، پدیدآورنده از امکانات مادی و نیروی انسانی لازم برای کنترل بهره‌برداری‌های متعددی که ممکن است اشخاص ثالث نسبت به اثر وی داشته باشند، برخوردار نیست. حتی در برخی شیوه‌های بهره‌برداری، امکان کنترل فردی (بدون استفاده از سیستم اداره جمعی) وجود ندارد (Pollaud-Dulian, 2005, p. 680).

**ب) متعهد حق تعقیب و موضوع تعهد وی**

به‌موجب بند ۴ مادهٔ یک دستورالعمل اروپایی، تکلیف پرداخت درصد مربوط به حق تعقیب پدیدآورنده بر عهده فروشنده است. لیکن برای کشورهای عضو این اختیار را قائل شده است که تمام یا قسمتی از تکلیف مزبور را به عهدهٔ یکی از اشخاص حقیقی یا حقوقی مذکور در بند دوم مادهٔ یک دستورالعمل (خریداران یا واسطه‌های فروش) قرار دهند.

بر اساس مادهٔ L122-8 قانون مالکیت فکری فرانسه، حق تعقیب به هزینهٔ فروشنده و بر عهدهٔ اوست، البته مسئولیت تصدی پرداخت (به هزینهٔ فروشنده) بر عهدهٔ شخص حرفه‌ای است که در بیع دخیل بوده است، لیکن چنانچه هر دو طرف حرفه‌ای باشند، این تعهد نیز بر عهدهٔ فروشنده است.

---

36. La gestion collective.

۳۷. شرکت‌های جمعی مزبور بایت ادارهٔ حقوق پدیدآورنده، می‌توانند مبلغی ثابت یا درصدی از عواید حاصل را دریافت نمایند. (I. Bainbridg, 2009, p. 135)

۳۸. به تعبیر برخی از حقوق‌دانان فرانسوی (Pollaud-Dulian, 2005, p. 679)، اتحاد موجب قدرت است. (L›union fait la force.)

Archive of SID

www.SID.ir

مـادهٔ ۱۳ آیین‌نامهٔ حق بازفروش انگلسـتان نیز مسـئولین پرداخـت حق تعقیب را مشـخص نموده اسـت. به‌موجب بند ۱ این ماده، فروشنده و سایر افراد مرتبط[۳۹] به‌صورت تضامنی، مسـئول پرداخت حق تعقیب هسـتند. بر اسـاس بند ۲ مادهٔ ۱۳، افراد مرتبط عبارتنـد از: ۱. اشـخاص مذکور در جـزء الف بند ۳ مادهٔ ۱۲[۴۰]؛ ۲. نمایندهٔ فروشـنده؛ ۳. نمایندهٔ خریدار در صورت عدم وجود نماینده فروشـنده؛ ۴. خریدار در صورت عدم وجود نماینده برای هـر یک از طرفین قرارداد (Cf. I. Bainbridg, 2009, p. 138; Hart & Fazzani & Clark, 2009, p. 215).

به‌موجب بند ۳ مادهٔ مزبور، هرچند انعقاد قرارداد فروش موجب پیدایش مسئولیت می‌گردد، لیکن پرداخت حق بازفروش می‌تواند تا زمان ارائهٔ مدارک دال بر اسـتحقاق دریافت امتیاز، به تأخیر بیفتد. بند ۴ مادهٔ ۱۳ نیز مقرر می‌دارد، در صورتی که بیش از یک نفر سزاوار دریافت حق تعقیب باشند، پرداخت کل مبلغ به یکی از آن‌ها موجب رفع مسئولیت خواهد بود.[۴۱]

اینک که متعهد پرداخت حق تعقیب مشخص گردید، شایسته است میزان حق تعقیب و ملاک محاسبهٔ آن هم مورد بررسی قرار گیرد.

برای بررسی ملاک محاسبهٔ میزان مشارکت پدیدآورنده در عواید حاصل از فروش مجدد اثر هنری، برخی از حقوق‌دانان (M. Walter & Von Leminski, 2010, p. 838) به دو رویکرد مختلف در این خصوص اشـاره نموده‌اند؛ رویکرد و شـیوهٔ نخست، مبتنی بر تمامت ثمن فروش مجدد است. توضیح اینکه قیمت بازفروش مبنای محاسبه و پرداخت حق تعقیب قرار می‌گیرد. بر اساس رویکرد دوم، شیوه محاسبه مبتنی بر تفاوت ثمن فروش سابق و فعلی است. به دیگر سخن، ارزش افزوده مبنای محاسبه قرار می‌گیرد. طبیعی است انتخاب هریک از این دو شیوه در تعیین درصد مشارکت پدیدآورنده مؤثر است. توضیح اینکه نرخ (درصد) مشارکت در رویکرد نخست باید نسبت به رویکرد دوم کمتر باشد.

بدیهی اسـت اعمال حق تعقیب بر مبنای ارزش افزوده (رویکرد دوم) مسـتلزم وجود اطلاعـات جامعی از فروش یا فروش‌های سـابق اثر هنری اسـت. این در حالی اسـت که دسترسـی به این اطلاعات در عمل مشـکلاتی را در پی دارد. به‌عنوان مثال، این اطلاعات به دلایل مختلفی از جمله مسائل مالیاتی همیشه ابراز نمی‌شود و جزئیات معاملات هنری به‌نحو مؤثری منعکس نمی‌گردد. به علاوه شیوهٔ مزبور مستلزم اقدامات بیشتر و در نتیجه افزایش هزینه‌های وصول حق تعقیب می‌شود. به همین دلیل تعداد کمی از کشورها روش دوم را برگزیده‌اند. برای نمونه در سطح جامعهٔ اروپا و قبل از تصویب دستورالعمل اروپایی، این روش فقط در کشـور ایتالیا پیش‌بینی شده بود که آن هم به دلیل پیچیدگی موضوع عملاً اجرایی نشد (M. Walter & Von Leminski, 2010, p. 838).

---

39. The relevant person.

۴۰. اشخاص مذکور در جزء الف بند ۳ مادهٔ ۱۲عبارتند از: خریدار، فروشنده و نمایندهٔ هر یک از آنها که در بازار هنر به‌صورت حرفه‌ای فعالیت داشته باشند..

41. 13- "... (4) Any liability to pay resale royalty in respect of a resale right which belongs to two or more persons as owners in common is discharged by a payment of the total amount of royalty to one of those persons."

Archive of SID

www.SID.ir

آن‌گونه که از ملاحظهٔ ۲۰ دستورالعمل اروپایی استنباط می‌شود، این دستورالعمل با بهره‌گیری از تجربه‌های قانون‌گذاران ملی، از روش نخست استفاده نموده، ثمن فروش را ملاک محاسبه قرار داده است.

همچنین دستورالعمل اروپایی برای هماهنگی میان کشورهای اروپایی که در مورد میزان حق تعقیب رویه‌های مختلفی داشتند، در ملاحظهٔ ۲۴ از لزوم پیروی از روش تنازلی بر اساس بخش‌های مختلف قیمت فروش سخن گفته است. در این راستا، مادهٔ ۴ دستورالعمل به بیان جزئیات این امر پرداخته است. به‌موجب بند ۱ این ماده، درصد حق تعقیب که از ثمن بازفروش تعیین می‌شود، به شرح زیر است:

تا مبلغ ۵۰/۰۰۰ یورو از ثمن قرارداد، ۴ درصد[۴۲]؛ نسبت به مازاد بر ۵۰/۰۰۰ یورو تا ۲۰۰/۰۰۰ یورو، ۳ درصد؛ نسبت به مازاد بر ۲۰۰/۰۰۰ یورو تا ۳۵۰/۰۰۰ یورو، ۱ درصد؛ نسبت به مازاد بر ۳۵۰/۰۰۰ یورو تا ۵۰۰/۰۰۰ یورو، ۰/۵ درصد؛ نسبت به مازاد بر ۵۰۰/۰۰۰ یورو ۰/۲۵ درصد.[۴۳]

به‌موجب قسمت اخیر بند ۱ مادهٔ ۴، در هیچ حالتی مبلغ حق تعقیب از ۱۲/۵۰۰ یورو تجاوز نخواهد کرد.

بر اساس برداشت از مادهٔ ۳ دستورالعمل، به بازفروش‌هایی که ثمن در آن بالغ بر ۳/۰۰۰ یورو باشد، در هر حال حق تعقیب تعلق می‌گیرد. لیکن در مواردی که ثمن بازفروش بیش از ۳/۰۰۰ یورو نباشد، کشورهای عضو در خصوص پیش‌بینی یا عدم پیش‌بینی حق تعقیب اختیار دارند.[۴۴] لیکن چنانچه جریان حق تعقیب بر بازفروش‌های اخیر مورد پذیرش قرار گیرد، بر اساس بند ۳ مادهٔ ۴ دستورالعمل، میزان حق تعقیب نمی‌تواند کم‌تر از ۴ درصد باشد.

نکته قابل توجه دیگر در خصوص نحوهٔ محاسبه حق تعقیب آن است که به‌موجب مادهٔ ۵ دستورالعمل اروپایی، ثمن فروش مذکور در مواد ۳ و ۴ دستورالعمل، پس از کسر مالیات ملاک عمل قرار می‌گیرد.

مقررات دستورالعمل اروپایی در خصوص ملاک محاسبه و میزان حق تعقیب، در متون قانونی فرانسه و انگلستان نیز وارد شده است.

در نظام حقوقی فرانسه جزئیات مربوط به محاسبهٔ حق تعقیب در قسمت آیین‌نامهٔ قانون مالکیت فکری فرانسه و در مواد R122-5 و R122-6 پیش‌بینی گردیده که آخرین اصلاحات مواد مزبور به‌موجب آیین‌نامهٔ شماره ۱۳۹۱-۲۰۰۸ مورخ ۱۹ دسامبر ۲۰۰۸

---

۴۲. البته به‌موجب بند ۲ همین ماده، هر یک از کشورهای عضو می‌توانند نرخ مزبور را به ۵ درصد ارتقا بخشند.

۴۳. به‌عنوان نمونه، چنانچه ثمن قرارداد بازفروش ۳۰۰/۰۰۰ یورو باشد، مبلغ حق تعقیب ۷/۵۰۰ یورو خواهد بود. توضیح این که بابت ۵۰/۰۰۰ یورو اول، ۲/۰۰۰ یورو و بابت ۱۵۰/۰۰۰ یورو بعدی، ۴/۵۰۰ یورو و بابت ۱۰۰/۰۰۰ یورو آخر، ۱/۰۰۰ یورو، جمعاً ۷/۵۰۰ یورو به‌عنوان حق تعقیب تعلق می‌گیرد.
۷/۵۰۰= (۱۰۰/۰۰۰×٪۱)+(۱۵۰/۰۰۰×٪۳) +(۵۰/۰۰۰ ×٪۴)

۴۴. ملاحظهٔ ۲۲ دستورالعمل در توجیه این حکم، خاطر نشان می‌کند که در خصوص مبالغ کم با توجه به هزینه‌هایی که جهت وصول حق تعقیب از پدیدآورنده اخذ می‌شود، منفعت چندانی برای وی در پی ندارد.

Archive of SID

www.SID.ir

به عمل آمده است. به‌موجب پاراگراف دوم مادهٔ R122-5، در موردی که ثمن بازفروش کمتر از ۷۵۰ یورو باشد، حق تعقیب قابل مطالبه نیست. لیکن به‌موجب پاراگراف نخست مادهٔ R122-6، حق تعقیب مربوط به فروش‌های بیش از ۷۵۰ یورو و کمتر یا مساوی با ۵۰/۰۰۰ یورو، معادل ۴ درصد از ثمن فروش است. بر اساس این ماده، در مورد فروش‌های بیش از ۵۰/۰۰۰ یورو، همان ترتیب تنازلی مقرر در دستورالعمل اروپایی مورد تبعیت قرار گرفته است.

البته باید توجه داشت که به‌موجب پاراگراف نخست مادهٔ R122-5، مقصود از ثمن بازفروش، مبلغ بازفروش پس از کسر مالیات است.

همچنین به‌موجب قسمت انتهایی مادهٔ R122-6، همچون دستورالعمل یاد شده، مبلغ حق تعقیب متجاوز از ۱۲/۵۰۰ یورو قابل مطالبه نیست.

ضمیمهٔ شمارهٔ ۱ آیین‌نامهٔ حق بازفروش انگلستان نیز از مقررات دستورالعمل اروپایی پیروی نموده است. البته آیین‌نامه مزبور نیز در اقدامی جالب به‌منظور حمایت از هنرمندان جوان، اعمال حق مذکور با نرخ ۴ درصد را بر بازفروشی که قیمت آن ۱۰۰۰ یورو باشد، در بند ۳ مادهٔ ۱۲ مورد پذیرش قرار داده است. این در حالی است که همان‌گونه که برخی از حقوق‌دانان (Bently & Sherman, 2001, p. 330) بیان داشته‌اند، قبل از تصویب دستورالعمل اروپایی، انگلستان با شناسایی حق تعقیب مخالف بود.

در خصوص نحوهٔ محاسبه مبلغ بازفروش که مبنای محاسبهٔ حق تعقیب قرار می‌گیرد، بند ۴ مادهٔ ۳ آیین‌نامه حق بازفروش انگلستان نیز مقصود از ثمن بازفروش را مبلغ بازفروش پس از کسر مالیات اعلام نموده است.

## نتیجه

حق تعقیب یا حق بازفروش، حقی است که پدیدآورندهٔ برخی از آثار هنری نسبت به منافع حاصل از فروش‌های بعدی اثر پذیرفته شده دارد که به‌موجب آن وی می‌تواند درصدی از ثمن بازفروش‌های اثر پس از انتقال اولیه را دریافت کند. حق مزبور قابل اسقاط و توقیف نبوده، به‌صورت ارادی قابل انتقال نیست، ولی در اثر فوت به ورثهٔ پدیدآورنده منتقل می‌شود.

مبنای اصلی حق تعقیب را باید در ملاحظات منصفانه و لزوم حمایت از پدیدآورندگان آثار هنری و خانوادهٔ ایشان جستجو نمود. البته باید توجه داشت که حق تعقیب همهٔ آثار هنری را در بر نمی‌گیرد، بلکه ناظر به آثار هنری اصلی است که با اولین فروش از دایرهٔ اختیارات پدیدآورنده خارج می‌شود. در این میان پذیرش حق تعقیب در خصوص نُسخ خطی و دست‌نوشته‌های اصلی محل اختلاف است.

حق تعقیب ناظر به قراردادهای فروش پس از اولین انتقال است. البته به‌نظر می‌رسد محدود نمودن پیدایش حق تعقیب به بازفروش (عقد بیع) دارای توجیه کافی نبوده، شایسته است آن را اعم از هرگونه انتقال معاوضی ناظر به انتقال مالکیت اثر هنری دانست. بر اساس دستورالعمل اروپایی و به پیروی از آن در نظام‌های حقوقی مورد بررسی،

Archive of SID

www.SID.ir

اجرای حق تعقیب محدود به فروش از طریق مزایده نیست، ولی لازم است لااقل یکی از میان فروشندگان، خریداران یا واسطه‌های فروش، جزء اشخاص حرفه‌ای بازار هنر (مانند سالن‌های فروش مربوط به متصدیان حراج و گالری‌های هنری و به‌طور کلی هر تاجر آثار هنری) باشند.

ذینفع اصلی حق تعقیب، پدیدآورنده و پس از فوت وی، ورثهٔ او هستند. لیکن در خصوص انتقال حق تعقیب از طریق وصیت، میان نظام‌های حقوقی وحدت نظر وجود ندارد. در نظام‌های حقوقی مورد بررسی، برای تأمین مناسب‌تر استیفای حق تعقیب از سوی ذینفع، ادارهٔ جمعی حق مزبور از طریق مجامع و شرکت‌هایی پیش‌بینی شده است. تعهد پرداخت حق تعقیب بسته به مورد بر عهدهٔ فروشنده، خریدار و یا واسطه‌های فروش است که مکلف به پرداخت درصدی از ثمن بازفروش به ذینفع هستند.

در پایان پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار ایران نیز برای حمایت از هنرمندان ضمن بهره‌گیری از تجربیات نظام‌های حقوقی مورد بررسی، نسبت به شناسایی حق تعقیب اقدام نماید. بدیهی است برای تعیین شرایط و چارچوب پذیرش حق مزبور، بایسته است قانون‌گذار منافع و مصالح ملی را در نظر بگیرد.

## منابع


۱. امامی، اسدالله، حقوق مالکیت معنوی، ج۱، تهران، نشر میزان، چ۱، ۱۳۸۶.
۲. زرکلام، ستار، حقوق مالکیت ادبی و هنری، تهران، انتشارات سمت، چ۱، ۱۳۸۷.
۳. صادقی مقدم، محمد حسن و رجبی، عبدالله، بازفروش مبیع، پژوهش حقوق، سال سیزدهم، شماره ۳۴، پاییز ۱۳۹۰، صص۲۹۹-۳۳۰.
۴. صادقی نشاط، امیر، حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای کامپیوتری، تهران ، نشر میزان، چ۱، ۱۳۸۹.
۵. صفایی، حسین، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، تهران، نشر میزان، چ۲، ۱۳۸۶.
۶. فرج الصده، عبدالمنعم، الحقوق العینیهٔ الأصلیهٔ دراسهٔ فی القانون اللبنانی و القانون المصری، بیروت، دار النهضهٔ العربیهٔ للطباعهٔ و النشر، بی‌چا، بی‌تا.
۷. قبولی درافشان، سید محمد مهدی و قبولی درافشان، سید محمد هادی، «بررسی لزوم یا عدم لزوم شرایط اساسی صحت قراردادها در مورد شروط ضمن عقد»، مجله دوفصلنامه دانش حقوق مدنی، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱، صص۲۷-۳۶.
۸. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی نظریه عمومی تعهدات، تهران، نشر یلدا، چ۱، ۱۳۷۴.
۹. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اموال و مالکیت، تهران، نشر میزان، چ۱۰، ۱۳۸۴.
۱۰. کلمبه، کلود، اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان، ترجمه علی‌رضا محمدزاده وادقانی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵.

11. Bently, L & Sherman, B, Intellectual property law.New York, united stated, Oxford, 3rd, 2001.
12. Goldstein, P & Hugenholtz, B, International copyright: principles, law, and practice, New York, Oxford. 2010.
13. Code de la propriété intellectuelle.
14. Colombet, Claude, propriété littéraire et artistique, Paris, Dalloz, 1976.


Archive of SID

www.SID.ir

15. Colstond, C & Middleton, K, Modern intellectual property law, London, Cavendish publishing limited, 2nd, 2005.
16. Cornu, Gérard, Droit civil, Les biens, Paris, édition Alpha, 13e édition, 2009.
17. Cornu, Gérard,Vocabulaire juridique, Paris, Presses univecitaires de France, 3e édition, 1992.
18. Davis, R & Edenborough, M & Graham, J & Malynicz, S & Roughton, A, Intellectual property in Europe, London, Sweet & maxwell, 2nd, 2002.
19. Desbois, Henri, Le droit d'auteure, Paris, Dalloz, 2 éd., 1966.
20. Directive 2001/29/CE du Parlement européen et du Conseil du 22 mai 2001 sur l'harmonisation de certains aspects du droit d'auteur et des droits voisins dans la société de l'information.
21. Directive 2001/84/EC of the European Parliament and of the Council of 27 September 2001 on the resale right for the benefit of the author of an original work of art.
22. Hart, T & fazzani, L & Clark, S, Intellectual property law, UK, Palgrave macmillan, 5th, 2009.
23. I. Bainbridg, D, Intellectual property, Harlous England; New York, Pearson longman, 7 rd, 2009.
24. La loi du 11 mars 1957 sur le droit d'auteur.
25. Lucas, A. et H.-J., traité littéraire et artistique, Litec, 2e éd., 2001.
26. M walter, M & Von Leminski, S, European copyright law, United stated, Oxford, 2010.
27. M. Stewart, S & Sandison, H, International copyright and neighbouring rights., London, Boston, Butterworths, 2nd ed, 1989
28. Marett, P, Information law in practice, Aldershot, Hants, England; Burlington,VT, Ashgate publishing company, 2nd , 2002.
29. Mcaleer, M & Oxley, L, Economic and legal issues in intellectual property, Uk, Blackwell publishing, 2007.
30. Pollaud-Dulian, Fréderic, Le droit d'auteure, Paris, Economaca, 2005.
31. Stokes, S, Art and copyright, Portland, Hart Publishing, 2001
32. Terré, François et Simler, Philippe, Droit civil, Les biens, Paris, Dalloz, 5e éd., 1998.
33. The Artist`Resale Right Regulations 2006.

Archive of SID

www.SID.ir